

تبیین تأثیر تاریخ‌نگاری مزارت در گسترش فرهنگ زیارت (مطالعه موردی مزارات ایالت فارس)

معصومه گودرزی بروجردی*، اصغر منتظر قائم

دانشجوی دکتری تاریخ محلی، دانشگاه اصفهان؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۳/۰۴/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۴/۰۴/۱۷)

Explaining the Impact of Mazarat Historiography on the Development of Pilgrimage Culture (Case Study of the Fars State)

Masoumeh Goudarzi Boroujerdi, Asghar Montazerolghaem

Ph.D Student of History, University of Isfahan; Associate Professor
at History Department, University of Isfahan

Received: (2014.07.04)

Accepted: (2015. 07. 08)

Abstract

Mazarat historiography was considered by historians as a branch of local historiography from the eighth century (AH) and until the twelfth century (AH), several works were written in Arabic and Persian. In fact, Mazarat historiography is a local encyclopedia, which obviously diverts from political and military issues, and deals more with religious, cultural, and social conditions. These local encyclopedias were intended to introduce scholarly and religious figures, because from the viewpoint of Iranian Muslims, the great scholars and divine peoples و graves were considered as an important factor in protecting the city from natural and human pests and disasters. In addition, the graves of the great scholars in each city have brought a special status to that city and has also contributed to the cultural and social growth of that city. The aim of present study was to investigate the effect of Mazarnevisi (writing on graves), based on the first-hand resources on growth of the pilgrimage culture by using a descriptive-analytical method.

Keywords: Mazarat historiography, pilgrimage, local historiography, Shiraz graveyard.

چکیده

مزارنویسی به عنوان شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری محلی از قرن هشتم هجری مورد توجه مورخان قرار گرفت و تا قرن دوازدهم هجری چندین اثر در این حوزه به زبان‌های عربی و فارسی نگارش یافت. در واقع مزارنویسی در زمره فرهنگ نامه‌های محلی به‌شمار می‌آید که آشکارا از مسائل سیاسی و نظامی دوری گزیده و بیشتر به اوضاع مذهبی و فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. این فرهنگ نامه‌های محلی به معرفی افراد و شخصیت‌های علمی و مذهبی اختصاص داشت، زیرا از دیدگاه مسلمانان ایرانی قبور علما و اولیاء، عاملی برای حفاظت شهر از آفات و بلاهای طبیعی و انسانی به‌شمار می‌آمد. علاوه بر آن قبور علمای بزرگ در هر شهری، شأن و منزلت ویژه‌ای برای آن شهر به ارمغان آورده و در رشد فرهنگی - اجتماعی آن شهر نیز مؤثر بوده است. پژوهش حاضر بر آن است، با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع دست اول، تأثیر مزارنویسی بر رشد فرهنگ زیارت را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: مزارنویسی، زیارت، تاریخ‌نگاری محلی، مزارات شیراز.

۱. مقدمه

مزارنویسی یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری محلی است که با رویکردی مذهبی و فرهنگی به شرح حال نگاری اسلامی می‌پردازد. تاریخ‌نگاری محلی با نگاهی خرد حوزه‌های تاریخی، جغرافیایی، اداری، فرهنگی یک منطقه را مطالعه می‌کند، اغلب آثار مورخان محلی ساختار و محتوایی متفاوت دارند. اما آنچه که از وجوه اشتراک در تاریخ‌نگاری محلی محسوب می‌شود، انگیزه نگارش این آثار و تعلق آنها به یک مکان جغرافیایی است.

عشق به وطن و رقابت در معرفی افتخارات مرز و بوم‌ها انگیزه اصلی کار غالب محلی‌کاران است. انگیزه‌های علمی و تاریخی، رقابت‌های مذهبی شهری و عشیره‌ای، وجود مقابر و مزارات امامزادگان، علما، عرفا و بزرگان هر شهری اعتبار و افتخار آن شهر محسوب می‌شد؛ پس محلی‌نگاران از این افتخارات بهره گرفته، آثاری خلق کردند و در معرفی فرهنگ و محاسن و نمادهای دیار خود از دیگران پیشی گرفتند. از جمله این آثار، کتاب‌های مزارات است. این شاخه از تاریخ‌نگاری محلی پس از دوره ایلخانان و تیموریان آغاز شد. با تغییر رویکردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در دوران ایلغار مغولان و تیموریان، عرفان و تصوّف نضج گرفت و در پی گسترش آن، حضور مشایخ و علما در هر دیاری اعتبار خاصی برای آن دیار به همراه آورد و حیات و ممات این افراد تا حد زیادی در تاریخ‌نگاری محلی آن منطقه تأثیرگذار بود. به دنبال این رویکرد مزارنویسی شکل گرفت.

پژوهش حاضر برآن است تا با مطالعه موردی تأثیر مزارنویسی بر گسترش فرهنگ زیارت را به روش توصیفی - تحلیلی، با تکیه بر منابع اصلی،

مطالعه کند.

سؤالات مورد نظر در این پژوهش بدین قرار است: مورخان محلی با چه انگیزه‌ای اقدام به نگارش کتب مزارات می‌کردند؟ مزارنویسی در رشد فرهنگ زیارت و معرفی تاریخ فرهنگ و هنر یک شهر چه میزان تأثیرگذار است؟

۲. مزارنویسی

آثاری که درباره مزارها نوشته شده‌اند در اصل برای تعیین محل دقیق مزارها و راهنمایی زائرین تدوین شده‌اند و از نظر تاریخ شهرنشینی از اهمیت بسیاری برخوردارند. اگرچه مزارنگاران عموماً فقط به ترجمه احوال صاحبان مزار پرداخته‌اند و کمتر به نقد و انتقاد مدفونان در مزار از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن پرداخته‌اند و یا علت تعداد مزارها را با یک نام و نسب روشن ننموده‌اند. اما به هر حال این گونه آثار درباره احوال مشاهیر و دانشمندان آن شهر اطلاعات خوبی ارائه می‌دهد و تاریخ فرهنگ یک شهر را معرفی می‌کند. آثار مزارنویسی عمدتاً دو دسته‌اند:

دسته اول: کتاب‌هایی که به صورت ویژه اختصاص به مزارات یک شهر و ناحیه دارد. این آثار علاوه بر بیان جغرافیای تاریخی، ویژگی‌های اقلیمی، محاسن یک شهر، اطلاعاتی درباره قبور عرفا، رجال، دانشمندان، اهل سیاست و همچنین شرح کاملی از ابعاد زندگانی آنها و اخبار و روایات بسیاری درباره حیات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی آن شهر ارائه می‌دهند، که در نوع خود معتنم و ارزشمند است و از منابع مهم «تاریخ محلی» محسوب می‌شوند.

دسته دوم: آثاری که در قالب تاریخ‌نامه‌های

محلی (شهری - منطقه‌ای) و فرهنگ نامه‌های محلی (تراجم، طبقات، معجم‌ها و رجال) تدوین شده‌اند؛ اما به صورت مشخص و معین فصلی یا فصل‌هایی را به مزارات اختصاص داده‌اند، مانند: تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد، جامع مفیدی، تذکره شوستر و یا آثاری که در لابه‌لای مطالب به صورت غیرمستقیم به بحث مزارها پرداخته‌اند (زینلی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

۳. مزارنویسی در ایران

مزارنویسی در ایران و برخی از سرزمین‌های اسلامی پیشینه طولانی دارد. تدوین عمده کتب مزارات با روی کار آمدن تیموریان آغاز شده و قبل از آن کتاب مستقلی در حوزه مزارنویسی در تاریخ ایران مشاهده نشده است. در پی رشد جریان‌های عرفان و تصوف در جامعه اسلامی و همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران پس از حمله مغول، زمینه توجه بیشتری به عرفا، بزرگان و مزارات آنان مهیا شد. در این دوره نوعی گرایش به درون‌گرایی، البته در قالب عناصر بیرونی، برای التیام دردهای ناشی از اثرات حملات مغولان در جامعه پدید آمد. اعتکاف در مزار علما و عرفا یکی از روش‌هایی بود که بسیاری از مردمان برای ایجاد آرامش در دل‌ها و اذهان خود انتخاب کردند. به دنبال این اعتکاف‌ها و تحصن‌ها، برخی از مورخین محلی و یا علما و حتی دوستان علما برآن شدند تا در مورد زندگی‌نامه، کرامات و محل دفن علما و بزرگان مدفون در دیار خود بنویسند. به دنبال این رویکرد، مزارنویسی از ایالت فارس آغاز شد.

با توجه به اینکه ایالت فارس مهد سلسله‌های هخامنشی و ساسانی به‌شمار می‌آمد، اما تاریخ‌نگاران

محلی آن فارغ از وابستگی دور و دراز با دنیای پیش از اسلام، غرق در فرهنگ و افکار عصر اسلامی، به خصوص عرفان و تصوف، بودند و تلاش‌های ارزنده‌ای در این راستا انجام دادند (سالاری شادی، ۱۳۸۴: ۳). ناگفته نماند که حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ق) در کتاب تاریخ نیشابور، ابونعیم اصفهانی در کتاب ذکر اخبار اصفهان (۴۲۸ق) و ابن فندق (۴۹۰-۵۶۵ق) در کتاب تاریخ بیهقی از نخستین کسانی هستند که به جایگاه و اهمیت مزارها در این شهرها پرداخته‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۱-۲۲۳؛ ابن فندق، ۱۳۶۱: ۲۶۸-۲۸۴).

اما مزارنویسی به عنوان شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری محلی و به صورت مستقل و خاص از فارس و از شهر شیراز شروع شد. در طی قرون هشتم تا دوازدهم چندین اثر به زبان فارسی و عربی نگارش یافت. این آثار به نوعی تحت تأثیر تراجم، احوال مشایخ، عرفا و صوفیان می‌باشد. نخستین کتاب مستقل در این موضوع در اواخر قرن هشتم هجری توسط معین‌الدین جنیدبن محمود شیرازی به نام شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در سال (۷۹۱ق / ۱۳۹۰م) تألیف شد. از این تاریخ تا نیمه قرن دوازدهم در مجموع نه کتاب به صورت مستقل درباره مزارات شهرهای ایران تألیف شده که از مجموع این نه اثر دو اثر در اواخر قرن هشتم و سه اثر در قرن نهم و سه اثر در قرن دهم و یک اثر در قرن یازدهم تدوین شده است. اوج تألیف این آثار در سده‌های نه و ده یعنی دوره تیموریان بوده است و با قدرت‌گیری صفویان، به‌ویژه دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، در راستای سیاست تمرکزگرایی صفویان از یک طرف و به حاشیه رفتن جریان‌های

عرفانی و متصوفانه از طرف دیگر و قوت یافتن علوم عقلی، پرداختن به تاریخ‌های محلی رو به افول گذاشت و مزارنویسی هم که بخشی از تاریخ‌نگاری محلی بود، از این امر متأثر شد.

۴. پراکندگی جغرافیایی کتاب‌های مزارها

پراکندگی جغرافیایی آثار مزارنویسی در ایران از سده هشتم تا سده دوازدهم بسیار قابل تأمل است. از مجموع نه عنوان آثار تدوین شده در این دوره، دو عنوان (شدالازار و هزار مزار) به شیراز و دو عنوان (مقصد الاقبال و وسیله الشفاعات) به هرات و دو عنوان (روضات الجنان و جنات الجنان و روضه الاطهار) به تبریز و یک عنوان (قندیه) به سمرقند و یک عنوان (تاریخ ملازاده) به بخارا و یک عنوان (تذکره الاولیاء) به کرمان تعلق دارند. این پراکندگی جغرافیایی مبین این حقیقت است که کانون تجمع علما و زهاد و اولیاء در دوره تیموریان عمدتاً در هرات، فارس، کرمان، سمرقند، بخارا و تبریز بوده و شهرهایی چون اصفهان، بلخ و نیشابور که از شهرهای بزرگ ایران بودند، مورد توجه مزارنویسان نبوده‌اند. از طرفی، با توجه به اینکه یکی از انگیزه‌های نویسندگان مزارها، راهنمایی زائرین این مزارها بود، این آثار نشان‌دهنده نوع نگاه جامعه آن عصر درباره توجه به مزارها و بقعه علما، زهاد و اولیاء بود (زینلی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

اوج تألیف این کتب در قرون نهم و دهم هجری، یعنی دوره تیموریان بوده است. این امر متأثر از فضای فرهنگی حاکم در این دوره است. در این دوره اندیشه‌های عرفانی به شدت رشد کرده و اهل طریقت، چه در هنگام حیات و چه پس از مرگ، مطمح نظر و پناهگاه توده مردم بودند.

نکته مهم و حائز اهمیت نوع نگاه و جایگاه علمی نویسندگان این آثار است. عمده این نویسندگان مشرب تصوف داشتند و بیشتر از علما، شعراء و عرفای زمان خود بودند (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶۶؛ معین‌الفقرا، ۱۳۷۰: ۶۶). با توجه به ماهیت مزارنویسی که متأثر از حاکمیت تفکر عرفانی بود، به طور طبیعی عمده نویسندگان این آثار گرایش عرفانی داشتند و رابطه‌ای تنگاتنگ بین مزارنویس و مدفونان در مزار وجود داشت، چراکه قطع نظر از آرامگاه‌های امامان و امامزادگان، بیشتر مزارها مربوط به عرفا و متصوفین است که اغلب مردم زمانه از مریدان و ارادتمندان آنها محسوب می‌شده‌اند و پس از مرگ، با ایجاد بقعه و بارگاه بر مزارشان، آنها را مانند ایام حیات معزز و محترم می‌شمردند (زنگنه، ۱۳۷۳: ۱۹۰؛ زینلی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). نویسندگان مزارات با دربار و دولت‌های روزگار خویش روابط عمیقی نداشتند و عمدتاً اهل حدیث و راوی اخبار بودند. این دسته از نویسندگان، همچون نویسنده تاریخ قم یا نویسنده تاریخ ری منصب وزارت و یا پیوندی نزدیک با نهاد وزارت و سیاست نداشتند و به سفارش حکومت این آثار نگارش نیافتند (ربک قمی، ۱۳۶۱: ۱۲؛ آذرنوش، ۱۳۶۹: ۷۰؛ کسروی، ۱۳۷۷: ۱۵۱).

۵. اهداف نویسندگان مزارها و مخاطبان آنها

نویسندگان کتب مزارها، اهداف متعددی از نوشتن این آثار داشته‌اند، برخی از این اهداف به وضوح مشخص بود و در جهت تحقق همان اهداف، این کتاب‌ها نگارش یافتند، از جمله این اهداف، راهنمایی برای زائرین و شناساندن قبور امامان، فرزندان آنها و همچنین علما، که از سوی شیعه و علمای آن مذاهب استجاب زیارتی و

می‌توان اطلاعات ارزشمندی در زمینه هنرحجاری، خطاطی و نقاشی منطقه کسب کرد. مزارنویسی در حقیقت به مردم‌شناسی، معرفی سنبل‌ها و نمادهای یک شهر، مقایسه کارکرد مزارات مسلمین نسبت به بقاع سایر مذاهب و ادیان، تأثیر مزارات در رونق اقتصادی منطقه، رشد فرهنگی و ادبی، مهاجرپذیری منطقه می‌پردازد. همچنین به آشنایی با شعائر مذهبی مردم و معرفی تاریخ اجتماعی منطقه، ایجاد امنیت و گسترش فرهنگ زیارت یک منطقه کمک می‌کند.

در مجموع مهم‌ترین انگیزه‌ای که نویسندگان را به تألیف چنین کتاب‌هایی برمی‌انگیخت این بود که برخی شهرهای بزرگ اسلامی چون محل تجمع و استقرار حلقه‌ها و کانون‌های فرهنگی و علمی و فعالیت اهل دعوت و تبلیغ آن زمان بود و اغلب چهره‌های بسیار مهم و رهبران فکری در آن شهرها گرد هم می‌آمدند. با گذشت زمان مقابر و مزارات متعلق به این افراد که مورد احترام عامه بودند، در شهر متراکم شد، به نحوی که امکان شناسایی دقیق آنها دشوار شد، لذا گاه وجود مقابر آنان در شهرها به دست فراموشی و نسیان سپرده می‌شد، در حالی که نام آنها زنده و مورد استناد و یا توسل مردم بوده است. لذا برخی از اهل فضل با نوشتن کتاب‌های مزارات سعی در توجه دادن و یادآوری نشان و اسامی مقابر هر یک از بزرگان مزبور در شهر داشتند، تا زیارت قبور آنان را احیا کنند. اکنون کتاب‌هایی درباره تاریخ مزارات شهرهای مختلف در دسترس است که علاوه بر ارائه نشانی قبور رجال، دانشمندان و اهل سیاست و کمال یک شهر، به نوعی اخبار و روایات و اطلاعات بسیاری درباره حیات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی آن شهرها ارائه می‌دهد، این دسته از منابع را می‌توان در زمره منابع مهم تاریخ

زیارتگاهی یافته بوده‌اند. در این آثار فقط به ترجمه احوال صاحب مزار اشاره شده و کمتر به نقد و انتقاد مدفون در مزار از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن اولاد اطهار پرداخته شده است (اذکایی، ۱۳۷۳: ۱۱). برخی از نویسندگان هم به جهت تقرب به ارواح طیبه و مشاهد مقدسه علمای دین و مشایخ روی زمین به تألیف کتاب مزارها پرداخته‌اند (معین الفقرا، ۱۳۷۰: ۱). برخی هم به فرمان سلاطین و حاکمان وقت دست به نگارش این‌گونه کتاب‌ها زده‌اند (واعظ، ۱۳۵۱: ۴). البته حاکمان وقت تأثیر بسیار کمی در نگارش مزارنامه‌ها داشتند و این نحله از تاریخ‌نگاری محلی تقریباً خودجوش بود.

عشق به زادگاه و معرفی بزرگان شهر را که از عوامل اصلی نگارش کتاب‌های تاریخ محلی است را نباید نادیده گرفت (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳-۴). نکته مهم دیگری که نباید نادیده گرفت، اهمیت و جایگاه بزرگان دین و دانش در میان مردم است که حتی پس از درگذشت آنها نسبت به آرامگاه‌شان رعایت می‌شود و این از رسوم نیک شرقیان است. این عمل ادای دین و قدردانی نسبت به صاحبان مزار بود و همچنین دلیلی برای تشویق آیندگان که با کسب دین و دانش نام خود را جاوید و آرامگاه خویش را مزار اهل بینش سازند.

دلایلی که ذکر شد رویکرد آشکار نویسندگان این دسته آثار بود. به دنبال این رویکردها نتایجی دیگری حاصل شد که احتمالاً مزارنامه‌نویسان با چنین رویکردی دست به نگارش زنده بودند و پس از نگارش کتب مزارات این دستاوردها حاصل شده است. از جمله این دستاوردها: آشنایی با تاریخچه هنر و هنرمندان منطقه است و با توجه به سنگ قبرهای موجود و نقوش و حکاکی‌های بر روی آن

محلی مناطق محسوب کرد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۰: ۱۲۱؛ زینلی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

فهم دقیق اهداف نویسندگان این آثار امکان شناخت مخاطبین آنها را فراهم می‌کند. با توجه به اهداف بیان شده، دسته نخست مخاطبین این آثار توده و عموم مردم بوده و این آثار برای آشنایی آنها با صاحبان مزار و شیوه زیارت آنها تدوین شده است (معین الفقراء، ۱۳۷۰: ۱۳). دسته دوم، بزرگان و عالمان دینی بودند که جهت اینکه نام بزرگان به حرمت و عزت برده شود و از جهت زنده کردن آثار صاحبان مزار و طلب رحمت برای آنان به جهت متابعت از اسلاف، علاقه‌مند به کتب مزارها بودند (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳). دسته سوم، حاکمان و فرمانروایان بودند که البته با اهدافی خاص و متفاوت، امر مزارنویسی را تشویق می‌کردند (واعظ، ۱۳۵۱: ۴).

درواقع اهداف نویسندگان مزارات از تدوین این آثار عبارت بود از:

۱. گسترش و ترویج فرهنگ زیارت قبور و مشاهد مقدسه.
۲. راهنمایی زیارت کنندگان قبور، به ویژه قبور امامان و امامزادگان.
۳. تقرب به ارواح طیبه و مشاهد مقدسه علمای دین و مشایخ روی زمین.
۴. کسب ثواب و اجر اخروی.
۵. گرایشات حب الوطنی و زنده نگاه داشتن نام بزرگان و اولیا، یک شهر و یا یک منطقه.
۶. شناسایی قبور علما و بزرگان و ممانعت از فراموشی و نسیان نام و مقام آن (زینلی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).
۷. البته پاره‌ای از مزارات ساخته سیاست زمان یا چشم هم‌چشمی اهل محلی با محل دیگر می‌باشد
۸. ادای دین نسبت به بزرگان و عارفان و معرفی

نخبگان علمی - اجتماعی و فرهنگی منطقه (ر.ک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۴۵: ۸۷).

۶. محتوای آثار مزارنویسی

واقعیت این است این دسته از منابع دارای ساختار واحدی نیستند و به گونه‌های مختلفی نگارش یافته‌اند. در حقیقت این آثار یک فرهنگ‌نامه‌اند که با حکمت و تاریخ عجین شده‌اند. غالب کتاب‌های مزارات از یک مقدمه و یک متن تدوین شده‌اند. ساختار مقدمه عبارت است از: محاسن شهر، اهمیت زیارت قبور و پاسداشت مدفونان، اوضاع دینی و مذهبی شهر، انگیزه و هدف نگارندگان این آثار، فهرست مطالب متن کتاب. مشروح‌ترین بخش مقدمه، اهمیت زیارت قبور و نکوداشت مدفونان است که اغلب با استناد و احادیث نبوی بیان شده و بعضاً هم از منابع قبلی اخذ شده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۶۳؛ واعظ، ۱۳۵۱: ۴؛ کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۱-۳). بر خلاف مقدمه که در کتاب مزارها بسیار موجز و خلاصه‌گویی شده، ساختار اصلی متن، عموماً با شرح‌های بلندی همراه است و مملو از اخبار غلوآمیز و روایت‌های غیرواقع می‌باشد.

نکته مهم و اساسی در غالب کتاب‌های مزارات نگاه تسامح‌گرانه آنهاست که متأثر از تأثیر اندیشه‌های عرفانی در نوشته‌های آنها می‌باشد. برخلاف آثار متأخر مثل روضه الاطهار که در دوره شاه عباس صفوی نوشته شده، غالب کتاب‌های مزارها فارغ از تعصبات مذهبی بوده و ضمن پاسداشت ارزش‌های اسلامی، نگاه ویژه‌ای به اهل بیت پیامبر (ص) دارند. این نوع نگاه هم محصول غلبه تفکر تصوّف در این عصر است و هم نمایانگر

زمان و یا هم‌چشمی اهل محلی یا محل دیگر بوده است. بنابراین بخش اعظم این آثار به افعال و اعمال صاحبان مزارها می‌باشند. اما صرف نظر از اینکه این منابع در داده‌های خود به خصوص در مسائل غیرعادی صادق باشند، یکی از منابع مهم تاریخی به شمار می‌آیند و بخشی از تاریخ گذشته مدیون اطلاعاتی است که در این منابع ارائه شده است (زینلی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

با توجه به مباحثی که مطرح شد به صورت موردی، شرح حال مؤلف و محتوای *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار* که در ارتباط با مزارنگاری در ایالت فارس است، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۷. *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*

نوشته شیخ‌الاسلام معین‌الدین ابوالقاسم جنید بن محمودبن محمدبن عمری شیرازی (وفات بعد از سال ۷۹۱) از کبار علما، وعاظ و شعرای شیراز در قرن هشتم است که کتابش را به نثر عربی نوشته و به نام‌های *المزارات* و *کتاب المزارات* نیز خوانده شده (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۶۵). از زندگی او اطلاعات چندانی در اختیار نیست. او کتاب *شد الازار* را در سال ۷۹۱ / ۱۳۹۰م تألیف نمود و در اواخر همین قرن در حوالی سال ۸۰۰ق / ۱۳۹۸م از دنیا رفت (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷).

معین‌الدین جنید شیرازی این کتاب را در شرح احوال و تعیین محل قبر جمع کثیری از زهاد و علما و امرآ و سلاطینی که در شیراز دفن شده‌اند نوشته است. مؤلف کتابش را به عدد ایام هفته به هفت نوبت که هر نوبت شامل ذکر مدفونین یکی از قبرستان‌های معروف شیراز باشد تقسیم نموده تا زیارت کنندگان هر کدام را به نوبت در یکی از ایام

یک دوران شاخص مذهبی در عرصه حاکمیت سیاسی و نکته قابل توجه دیگر اینکه هرچه از شرق به غرب ایران حرکت می‌کنیم این تسامح بیشتر نمایان است، هر چند منابع شرق ایران چون بخارا، هرات و سمرقند هم قابل قیاس با فضای فرهنگی قبل از حمله مغولان نمی‌باشند. اهمیت دیگر این آثار، توجه ویژه این آثار به تاریخ محلی است. این آثار جملگی تصویر روشنی از احوال فرهنگی، علمی و اجتماعی شهر مورد نظر ارائه می‌دهند. به ویژه اینکه این آثار امکان شناسایی نخبگان فرهنگی یک شهر اسلامی در قرون اسلامی تاریخ ایران را فراهم می‌آوردند. ارزیابی و قضاوت مؤلفان در مورد افراد، نشانگر میزان سلطه و نفوذی است که شخصیت افکار و سیره شخصیت‌های مهم در این شهرها داشته‌اند. آثار مزار نویسی از جهت محتوا درصدد تامین نیاز مخاطبان بودند. در مقدمه همه این آثار به محاسن شهرها، اهمیت زیارت قبور و پاسداشت مدفونان و انگیزه‌ها و اهداف نگارندگان آنها پرداخته شده است و اطلاعات بسیار دقیق و ارزنده‌ای در باره تاریخ شهرها و باورهای مردمان ساکن در آنها، ارائه شده است. در متن همه این آثار عمدتاً به تذکره صاحبان مزارها پرداخته‌اند و کمتر به نقد و انتقاد مدفونان در مزار از جهت تبارشناسی یا تحقیق در مکان دفن پرداخته‌اند و یا علت تعداد مزارها را با یک نام و نسب روشن ننموده‌اند.

نکته قابل توجه اینکه آثار مزارنویسی با وجود ارائه اطلاعات جزئی و دقیق از اوضاع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به ویژه تذکره علما، عرفا و اولیاء شهرها، عمدتاً همراه با اغراق و داستان‌هایی غلو آمیز و بعضاً غیر واقع در باره صاحبان مزارها می‌باشند. چرا که پاره‌ای از مزارها ساخته سیاست

هفته و اگر نتوانند هر کدام را در یک شب جمعه یا صبح شنبه زیارت کنند و به این ترتیب زیارت خود را از تمام آنها در هفت روز یا هفت هفته به انجام رسانند. هدف مؤلف نه بیان تاریخ، بلکه آگاه کردن برادران دینی از زیارت قبور و یاد کردن اهل قبور است. همچنین برخی از سیرت‌ها و اوصاف و فضایل اهل قبور بیان گردد تا الگویی برای متابعان و راهنمایی برای زائرین مزارها باشد (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳).

مؤلف، کتاب خود را در یک مقدمه و در هفت نوبت تقسیم‌بندی کرده است. مؤلف در مقدمه اثرش ضمن اشاره به فضائل شهر شیراز، به تفصیل و با استناد به احادیثی دال بر استحباب زیارت و اقدام به آن سخن کرده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳-۲۵). مؤلف مجموعاً تذکره ۳۱۵ نفر در هفت نوبت کتاب، بیان کرده که نخستین فرد شیخ احمد کبیر و نفر سیصد و پانزدهمین یعنی آخر کسی که ترجمه حال او در این کتاب آورده شده شیخ مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی می‌باشد و در همین کتاب شدالازار است که نام و کنیه شیخ صحیح و بر طبق مأخذ قدیمی دیگر نوشته شده است (همان: ۳۸).

اگرچه مؤلف این کتاب مورخ نبوده و به همین دلیل برخی اغلاط و مسامحات تاریخی بر قلم او جاری شده اما به علت قدمت زمان و دسترسی داشتن به یک عده کتبی که اکنون دیگر اثری از آنها برجا نیست و معاصر بودن با پاره‌ای از اشخاص و وقایعی که در این کتاب به ذکر آنها پرداخته، اطلاعات گرانبهایی به دست می‌دهد، که سایر مأخذ تاریخی موجود حاوی چنین اطلاعاتی نیستند. این اطلاعات به روشن شدن بسیاری از حوادث تاریخی مربوط به فارس و نواحی مجاور آن و ترجمه احوال جمعی از رجال منتسب به آن سرزمین کمکی شایان

می‌نماید. از طرفی کتاب شدالازار، یک اثر صوفیانه است که با هدف کسب ثواب و اجر در احوال عرفا، مشایخ و علمای مشهور نوشته شده است و لحن مداحانه و مملو از کشف و شهود و روایات کرامات گونه بسیار دارد. مؤلف حتی در احوال حاکمان و شخصیت‌های سیاسی هم این شیوه را ادامه داده است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶۶-۲۶۸). مؤلف اعتقاد دارد زائر باید به این اصل معتقد باشد که میّت دارای درک و فهم است و با توجه به این مسئله زیارت معنی پیدا می‌کند. با این توصیف، مؤلف اثر خود را به یک تذکره صوفیانه مبدل کرده است. هرچند تلاش کرده همانند مؤلف شیرازنامه، تحصیلات، اساتید و مشایخ، آثار و وفات صاحب ترجمه را بنویسد. منابع مؤلف نیز بیشتر متکی به تواریخ صوفیانه مانند طبقات الصوفیه ابوعبدالحسن سلمی، حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی و تذکره اولیاء عطار نیشابوری می‌باشد (شیرازی، ۱۳۶۴: ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۸، ۸۲، ۸۳).

این کتاب با اینکه برخی اشتباهات تاریخی و لغزش‌های علمی دارد که البته مورد نقد و ایراد مرحوم قزوینی است (شیرازی، ۱۳۲۸: تعلیقات ۲۸۵، ۲۸۴، ۳۰۴) اما دارای امتیازات و سودمندی‌های بسیار است که ارزش آن را دو چندان کرده است. از جمله: مؤلف در تدوین آن، از منابعی سود برده است که اکنون بسیاری از آنها موجود نیست (صفا، ۱۳۶۹: ۱۰۶) و اطلاعات سودمندی در باب محلات شیراز به دست می‌دهد (ر.ک: شیرازی: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۰، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۲۴، ۳۶۷) این اثر اطلاعات بسیار مفیدی درباره محلاتی که در زمان مؤلف وجود داشته و اکنون تخریب شده ارائه می‌دهد. لذا این کتاب درباره شناخت بافت شهری شیراز از اهمیت

کار تصحیح این کتاب در سال ۱۳۲۰ شمسی به پیشنهاد مرحوم علامه قزوینی و با کمک مرحوم عباس اقبال آن آغاز شد. اما به دلیل بیماری مرحوم قزوینی مدتی به طول انجامید و بالاخره در سال ۱۳۲۸ منتشر شد. علاوه بر اهمیت محتوای کتاب که بدان اشاره شد یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این اثر، حواشی و اضافاتی است که مرحوم قزوینی بر این کتاب نگاشته‌اند.

۸. تذکره هزار مزار (ترجمه شد/الازار - ملتمس

(الاحباء)

تذکره هزار مزار ترجمه کتاب شد/الازار فی حط الازار عن زوار المزار که پس از مؤلف توسط فرزندش عیسی بن جنید شیرازی به درخواست عده‌ای از بزرگان شهر، دوستان و نزدیکان با توجه به اینکه آشنایی کامل به خط و زبان عربی نداشتند با عنوان «ملتمس الاحباء خالصاً من الریاء» به فارسی ترجمه شد. خاندان جنید شیرازی از خاندان معروف شیراز بوده و پدران و اجداد او در شیراز به وعظ و خطابه مردم می‌پرداختند. عیسی بن جنید کتاب پدرش شد/الازار را به فارسی ترجمه کرد و نام آن را ملتمس الاحباء خالصاً من الریاء نهاد. انگیزه و هدف او از ترجمه و تکمیل اثر پدرش پاسخ به نیاز جامعه آن روز شیراز از جهت شیوه زیارت مزار بزرگان و علما بوده است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد:

این کتاب ملتمس الاحباء... نام گرفت و از جهت رفیقی شفیق که در زیارت چهل مقام شیراز می‌رفت و التماس کرد که مزارها که پدر تو و شیخ ما نوشته است، از مطالعه آن عاجزیم اگر تو فارسی کنی تا ما و دیگران از آن بهره‌مند شویم شاید که منظور اهل سعادت گردد و نزد خداوند موجب

خاصی برخوردار است. همچنین در باب مدارس، مساجد و خانقاه‌ها و بزرگان طریقت‌ها، سلسله عرفای بزرگی که منتسب به امامان هستند، باورها و رفتارها و اخبار جریان‌های فکری گزارش کاملی می‌دهد. علاوه بر آن در مورد وضعیت باغات، چشمه‌ها حتی سیستم آبیاری شیراز قرن هشتم اطلاعات گرانمایی در این اثر ذکر شده است. برخی واژه‌ها با لهجه شیرازی نیز مانند «بازارو» در آن دیده می‌شود؛ کتاب حاوی شماری از اسامی و اعلام کهن ایرانی مانند «اسکفشاد، (اسفکشار) «فر کوه» و «مناور» است (همان: ۳۸، ۲۹۴، ۳۷۳)، اخبار برخی جریانات فکری مانند پخش آثار معتزله در شیراز، در آن درج شده است. برخی سنن و آداب مانند سنت وقف و یا استنساخ کتاب در آن انعکاس یافته است (همان: ۲۹۷، ۳۲۹-۳۷۹). در مورد انساب اشخاص مشهور شهر، مثل کتاب الانساب سمعانی، موقوفات، عادات و رسوم، اقوال، نام قضات فارس و غیرفارس، نام اشخاصی که مالکین قریه‌ها بودند و مشاهیر آن قریه و اطلاعات تاریخی در مورد تاریخچه آن قراء، به طور مثال بلغان نام یکی از قریه‌ها است و به نام امیر بلغان که از امرای مغول بوده نام گرفته است. یا در مورد شرح بلوکات و سلسله سادات عالی مرتبه، من جمله سادات بنجیری به تفصیل سخن گفته است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۵۳۷). البته ناگفته نماند در مدح و ستایش عرفا و علما، کرامات آنان بسیار قصه‌سرایی و اغراق شده است. نکته قابل تأمل دیگر، روان کاوی اجتماعی و روحیات مردم شهر شیراز توسط نویسنده است.

ساختار ادبی کتاب شد/الازار... نیز گویای دستورات نگارشی و فضای ادبی حاکم بر جامعه وقت است.

رحمت و غفران و کرامت و امتنان شود (شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۴).

این کتاب به «هزار مزار» یا «هزار و یک مزار» اشتها یافته است (صفا، ۱۳۶۹: ۳۲).

کتاب *هزار مزار* اگرچه ترجمه کتاب *شدالازار* است اما از جهاتی قابل توجه و دارای اهمیت می‌باشد. اولاً متنی از اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجری مشتمل بر مطالب بسیار مهم و شایسته ملاحظه است. ثانیاً مطالب اضافی، نکات جالب و گوناگون در ترجمه آمده که در متن *شدالازار* از آن ذکری نشده است. مطالب ذکر شده بیشتر متضمن مشاهدات شخص مترجم یا ملاقات‌ها و مصاحبت‌های وی با رجال معروف و مشاهیر عرفاست. مخصوصاً شروخی درباره افرادی که در زمان مؤلف *شدالازار* حیات داشته و بعد از وی سر در نقاب خاک کشیده‌اند، حائز اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. زیرا در هیچ مأخذ دیگری از آن ذکری نشده است (شیرازی، ۱۳۶۴: مقدمه مصحح ۵).

جالب‌ترین موارد این اضافات داستان‌هایی است که مترجم ناظر آن بوده و صحبت‌هایی است که بزرگان آن زمان با پدر مؤلف یعنی صاحب *شدالازار* داشته‌اند اگر صرفاً همین موضوع مورد نظر قرار گیرد باز کتاب حاضر بسیار با ارزش و حاوی مطالب گرانبهایی است.

مترجم در پایان شرح احوال بسیاری از عرفا و بزرگان، مطالبی از دیده‌ها و شنیده‌های خود ذکر نموده که بسیار با اهمیت و ارزش است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۸۲، یادداشت‌های قزوینی). به طور مثال در شرح حال شیخ عروه بن مسعود مطالبی نقل کرده که حاصل مطالعات و ملاحظات شخصی وی می‌باشد و در کتاب *شدالازار* اشاره‌ای به آن نشده است

(شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۷۸). آنچه که ارزش این کتاب را ارتقاء بخشیده، مسموعات و مشاهداتی مترجم می‌باشد در واقع می‌توان گفت جنید کتاب دیگری غیر از کتاب پدر عرضه داشته است.

در مواردی نام افرادی در ترجمه آمده که در *شدالازار* نیامد و آن شامل اسامی کسانی است که در زمان مؤلف در قید حیات بوده و فوت ایشان بعد از وفات مؤلف اتفاق افتاده است در این موارد کار مترجم در واقع تکمله کار پدر است. ترجمه فارسی کتاب *شدالازار* توسط پسر نویسنده، با تمام نواقص آن نکته قابل تأمل دیگری که ارزش این کتاب را دوچندان کرده است. مترجم در بعضی مواضع از پدر خود حکایاتی نقل می‌کند و از مصاحبت وی با معاصرین موضوعاتی بیان می‌دارد که مسلماً شخص دیگری را نقل آن روایات میسر نبوده است و این خود از مختصات بسیار مهم و با ارزش کتاب حاضر است. البته ساده‌نویسی و همه فهمی و عمومیت بخشیدن این اثر در جهت انتقال میراث فکری و علمی از نسلی به نسل دیگر از محاسن این کتاب است. نویسنده *هزار مزار* نکات اخلاقی و تربیتی را به خوبی برجسته کرده است. ارائه شرح حال‌ها حاوی نکات اخلاقی و تربیتی بوده است.

در کنار این امتیازات، کتاب دارای نواقصی هم هست. مهم‌ترین اشکال کتاب، عدم تسلط کامل مترجم به زبان عربی بوده است، چون مترجم در ترجمه کتاب تبعیت از ترکیب جمله‌های عربی متن می‌کند اکثر عبارات به سیاق فارسی نیست و گاه مترجم عیناً کلمات مهجور عربی مندرج در اصل را ضمن عبارات می‌آورد و چنین به نظر می‌رسد که چون از درک معانی آن عاجز بوده ترجمه را به

نحوی مجمل برگزار کرده است. مزید بر علت آنکه مترجم سعی دارد اشعار عربی را به اشعار فارسی ترجمه کند در حالی که چیزی که در مترجم نیست همان ذوق شاعری و هنر نظم است. مرحوم قزوینی در مورد اشعار مترجم می‌نویسد: «عربیتش بسیار ضعیف و ذوقش از آن ضعیف‌تر است، اصرار عجیبی دارد در ساختن اشعار بسیار سخیف و ملحون» (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۵۷؛ زینلی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). ساختار کتاب بر اساس متن عربی کتاب تدوین شده است که شامل یک مقدمه و هفت نوبت و یک خاتمه است.

کتاب *مزار مزار* توسط دکتر نورانی وصال با استناد به دو نسخه خطی و با استناد به کتاب *شدالازار*، تصحیح و تهیه شده و در سال ۱۳۶۴ به وسیله انتشارات کتابخانه احمدی شیراز منتشر شد. مصحح کتاب ضمن مقابله نسخه‌های موجود و برابری آن‌ها با کتاب *شدالازار*، بسیاری از عیوب کتاب را اصلاح کرده و در مواردی که ترجمه بسیار سخیف و کم‌مایه بوده، اصل عربی متن را نیز از کتاب *شدالازار* در پاورقی کتاب ذکر کرده است.

۹. نتیجه

مزارنویسی در ایران و برخی از سرزمین‌های اسلامی پیشینه طولانی دارد و در حقیقت نوعی از انواع مختلف شرح حال‌نویسی است. در این سبک، نویسندگان دسته‌بندی موضوعی خاصی را مبنای کار خود قرار می‌دهند. بررسی‌های به عمل آمده، نشانگر آن است که تدوین عمده کتب مزارت پس از ایلخانان شروع و با روی کار آمدن تیموریان گسترش یافت. در واقع، به دنبال رشد جریان‌های عرفان و تصوف در جامعه اسلامی و همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران پس از حمله

مغول، زمینه توجه به عرفا، بزرگان و مزارت آنان بیش از پیش فراهم شد، به سانی که تدوین یک روش دایرةالمعارف‌گونه در خصوص مزارها را می‌توان بخشی از تاریخ‌نگاری محلی با رویکردی مذهبی و فرهنگی دانست. علل و عوامل نگارش مزارنامه‌ها را می‌توان چنین برشمرد: ۱. زیارت در سیره پیامبر گرامی جایگاه ویژه‌ای داشته و علاوه بر مکتب اسلام، در سایر مکاتب نیز بر زیارت قبور و مشاهد مقدس سفارش زیادی شده است. از آنجا که برخی از شهرهای بزرگ اسلامی محل تجمع و استقرار حلقه‌ها و کانون‌های فرهنگی - علمی بوده، اغلب چهره‌های شاخص و رهبران فکری در آن شهرها گرد هم می‌آمدند و پس از درگذشت آنان مقابر و مزارات متعلق به این افراد مورد احترام دوستان و عموم مردم واقع می‌گردید. بر همین اساس شماری از اهل فضل با نوشتن کتاب‌هایی در زمینه مزارها، سعی در ایجاد توجه و یادآوری، نام، نشان و اسامی مقابر هر یک از بزرگان مزبور در دیارها را داشته و در پی آن بودند تا به احیای زیارت قبور ایشان پردازند. ۲. مزارنامه‌ها برای زائران به عنوان راهنمایی محسوب می‌شدند، تا در هنگام مصائب، زمینه ایجاد تقرب به ارواح پاک و منور این علما و بزرگان را فراهم آورده و همچنین وسیله‌ای برای تسکین دردهای درماندگان باشند؛ ۳. *مزارنامه‌های شدالازار* فی حط الاوزار عن... و *مزار مزار* از جمله مزارنامه‌های شیراز محسوب می‌شوند. این دو منبع به معرفی و ارائه شرح حال بزرگان و علمای شیراز و ارائه نکات تربیتی و اخلاقی پرداخته و در زمینه شناخت رجال سیاسی، نخبگان فرهنگی - اجتماعی، باورها و عقاید آنان، طریقت‌ها، مدارس، مساجد، وضعیت جغرافیایی، اقلیم، آب و هوا، بنای شهر،

سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۹۶۲). *الانساب*. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعالی یمانی. حیدرآباد.

شیرازی، معین الدین ابوالقاسم جنید (۱۳۲۸): *شدالازار فی حط الاوزار عن الزوار المزار*. تصحیح و تحشیة محمد قزوینی و عباس اقبال. تهران: نوید.

شیرازی، عیسی بن جنید (۱۳۶۴): *تذکره هزارمزار*. تصحیح و تحشیة منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

صفا، ذبیح الله (۱۳۳۲): *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: توس.

قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱): *تاریخ قم*. ترجمه حسن بن محمد قمی. تصحیح و تحشیة سید جلال الدین تهرانی. تهران: توس.

کسروی، احمد (۱۳۷۷): *شهریاران گمنام*. تهران: جامی. کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۴۴). *روضات الجنان فی جنات الجنان*. تصحیح جعفر سلطان القرایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۴۵). *مزارات خراسان*. مشهد: دانشگاه مشهد.

معین الفقراء، احمد بن محمود (۱۳۷۰). *تاریخ ملازاده*. احمد گلچین معانی. [بی‌جا]: مرکز مطالعات ایرانی.

واعظ، سیداصیل الدین (۱۳۵۱): *مقصد الاقبال سلطانیة و مقصد آمال خاقانیة*. به کوشش مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ.

یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۰): «تاریخ ملازاده». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۴۴-۴۵. ص ۱۲۱.

باغات، چشمه‌ها، قنات‌ها، محلات، واژه‌های مهجور، لهجه‌ها و ساختار ادبی و... اطلاعات بسیار مفید و دست اولی ارائه می‌دهند. در مجموع این مزارنامه‌ها علاوه بر آنکه در معرفی تاریخ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، وضعیت ادبی، تاریخ هنر و مردم شناسی دخیل بوده، در رشد و ترویج فرهنگ زیارت، رونق اقتصادی و مهاجرپذیری ایالت فارس نیز نقش بسزایی داشته است.

منابع

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۶۹). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی. تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

ابن فندق، علی بن زید (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*. تصحیح و تعلیقات احمد بهنیار. تهران: کتابفروشی فروغی.

اذکایی، پرویز (۱۳۷۳). *تاریخ‌نگاران ایران*. تهران: موقوفات افشار.

حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابور*. ترجمه محمدحسین نیشابوری. مقدمه دکتر شفیع کدکنی. تهران: نشر آگه.

زنگنه، ابراهیم (۱۳۷۳). *مزارهای ایران*. مشکوة. ش ۴۲. تابستان.

زینلی، بهمن (۱۳۹۰): *نقد و بررسی تاریخ‌نگاری ایران از سال ۶۵۶ق تا ۱۳۵ق*. پایان نامه. دانشگاه اصفهان.

سالاری شادی، علی (۱۳۸۴): «سیرتاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس». اصفهان: مجله علمی و پژوهشی دانشگاه اصفهان.